



تأکید باییدن بر پایان مأموریت
نظامی آمریکا در افغانستان:

برای ملت‌سازی نرفته بودیم

اطلاعات روز: جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات
متحده‌ی آمریکا یک بار دیگر از تصمیم خود برای
خروج نظامیان امریکایی از افغانستان دفاع کرده و...

صفحه ۲

اردوغان:

درباره‌ی چگونگی مسئولیت ترکیه در افغانستان تصمیم‌گیری کرده‌ایم

صفحه ۲

نظامیان و سیاست خارجی

سیاست خارجی پاکستان را
چه کسانی می‌سازند؟



صفحه ۴

اگر سخن‌گویان دولت شویم

صفحه ۷

یادداشت روز

تفنگ‌ها را گل بگیرد

اعلامیه‌ی پایانی دیدار هیأت سیاسی طالبان
با چهره‌های سیاسی افغانستان در تهران، بر
ضرورت قطع جنگ و خون‌ریزی، استقرار صلح
و آینده‌ای عاری از خشونت و منازعه تأکید
کرده است. در پایتخت قطر، مذاکرات مجدداً
جان گرفته و به‌دور از چشم رسانه‌ها، نمایندگان
دوطرف در حال چانه‌زنی هستند. در موازات این
دو محل، مسکو نیز میزبان هیأتی از نمایندگان
دفتر سیاسی طالبان است. طالبان در کنفرانس
خبری‌شان در مسکو، از حقوق زنان، افغانستان
عاری از تروریسم بین‌المللی، اراده برای صلح و
آشتی، مذاکره بر سر نوع نظام آینده و لطف در
حق مردم افغانستان به‌دلیل امتناع از حمله بر
مراکز ولایات سخن گفتند.

در محافل و مجالس سیاسی، پشت‌تربون
کنفرانس‌های رسانه‌ای، متن اعلامیه‌های
مطبوعاتی، مصاحبه با رسانه‌ها و هرجایی غیر از
جبهات جنگ، نمایش صلح‌خواهی، قطع جنگ
و ضرورت گفت‌وگو برای دستیابی به توافق
سیاسی اجرا می‌شود. در مقام سخن، هیچ یک
از طرف‌ها، از سردادن شعار مصالحه و آشتی
و ضرورت قطع جنگ و حل سیاسی منازعه‌ی
جاری غافل نمی‌شوند...

۲

سخن‌گوی پنتاگون:

به نیروهای هوایی افغانستان هواپیماهای بیشتر فراهم می‌کنیم

وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) اعلام کرده است که هواپیماهای بیشتر و کمک‌های فنی و
لوجستیکی را برای نیروهای امنیتی افغان به‌ویژه نیروهای هوایی این کشور فراهم می‌کند.



صفحه ۲

تجزیه

نگرانی دگرباشان از قدرت‌گرفتن طالبان

رنگین‌کمانی‌ها برای روزهای دشوارتر آماده می‌شوند

افغانستان، دگرباشان افغانستانی از بازگشت نظام طالبانی
هراس دارند. آن‌ها همچنین از این‌که در مذاکرات بین
دولت افغانستان و طالبان، جایگاهی ندارند بسیار نگرانند؛
نگران از این‌که دوباره نظام طالبانی برگردد و اندک
امنیتی که دارند از دست دهند...

درحالی‌که هنوز آواز شلاق‌زدن طالبان در گوش‌ها
می‌پیچد و خاطرات دادگاه‌های صحرایی در جلوی چشم
مردم افغانستان است، بیم آن می‌رود که دوباره افغانستان
به چنین شرایطی بازگردد. از زمان آغاز مذاکرات میان
طالبان و آمریکا و اکنون خروج نیروهای امریکایی از

ترجمه



چرا هند با طالبان کانال پشت پرده باز کرد؟

در آنچه تغییری مهم در سیاست دهلی نو به‌نظر می‌رسد،
هند اخیراً اذعان کرد که با طالبان افغانستان کانال پشت
پرده باز کرده است.
اوایل ماه جون رسانه‌های هند گزارش دادند که با خروج
نیروهای امریکایی از افغانستان...

تجزیه

استراتژی‌های شکست بن‌بست در مذاکرات صلح؛ سازماندهی اقدامات بین‌المللی (۱)

در بیشتر شرایط درگیری مسلحانه، بازیگران بیرونی
بر روند تلاش‌های صلح تأثیر می‌گذارند. این عوامل
خارجی ممکن است در وهله‌ی اول در دامن‌زدن
به درگیری نقش داشته باشند یا نداشته باشند،
یا بعدها از یک یا چند طرف درگیری حمایت
کرده باشند یا نباشند. آن‌ها به احتمال زیاد شامل
ترکیبی از طیف گسترده‌ای از سازندگان صلح، از
جمله کشورهای همسایه و منطقه‌ای، قدرت‌های
دورتر یا کشورهای کمک‌کننده، سازمان‌های چند
جانبی منطقه‌ای و غیردولتی، صلح‌بانان خصوصی و
افراد است. از انگیزه‌ها و اشکال مختلف فشار موجود
می‌توان برای تقویت قدرت نفوذ و منابع معمولاً
محدودشده توسط یک واسطه استفاده کرد. اما
ممکن است انگیزه‌ها و...

۳

بسته‌های ویژه اینترنتی برای
بلاک‌های رهائشی و خانه‌های انفرادی



تو گویی کمرها برای مصالحه، قطع جنگ و حل سیاسی این خون‌ریزی رقت‌بار بسته شده اما یک مانع ماوراءالطبیعی مانع به‌جریان افتادن این تلاش‌ها باشد.

برخلاف سخنان و مواضع اتوکشیده در کنفرانس‌های مطبوعاتی و اعلامیه‌های رسانه‌ای، میادین و جبهات جنگ اما در خون غرق است. سراسر کشور در تلاطم رگبار و گلوله فرو رفته است. طالبان پس از حدود یک ماه بالابردن فیتله‌ی جنگ و حمله و کمین و شبیخون تا آخرین درجه، تصرف ده‌ها ولسوالی، ویران کردن تأسیسات، آتش‌زدن اماکن عامه، وضع قوانین افراطی و بدوی بر مردم در مناطق تحت تصرفشان، اکنون دمیدن بر کوس و کرنای مصالحه و مدارا و مذاکره را آغاز کرده‌اند.

آنچه عملاً در زمین و میدان جریان دارد، عطش سیری‌ناپذیر برای خون‌ریزی است. هرروز، در ده‌ها و صدها نقطه‌ی کشور، ده‌ها هزار گلوله، سینه‌ی آسمان و زمین و نظامیان و جنگ‌جویان را می‌شکافد. آمبولانس‌ها و چرخ‌بال‌های نظامی، هرروز ده‌ها پیکر بی‌جان و نیمه‌جان را برای درمان در شفاخانه‌ها یا گورکردن در قبرستان‌ها منتقل می‌کنند. هزاران جنگ‌جوی طالبان در هفته‌های اخیر در صف طولانی درمان، روی تخت‌های عمل شفاخانه‌های جنوب دیورند یا گورستان‌های روبه‌گسترش در نواحی مرزی تبعید شده‌اند. با شلیک هر گلوله، ترکی در قلب و روح یک مادر، یک همسر، یک فرزند و یک پدر در افغانستان ایجاد می‌شود. جنون جنگ‌افروزی و خون‌ریزی، در سراسر کشور جولان می‌دهد.

آنچه عملاً در حال رخ‌دادن است، عطش و عقده برای ریختن خون و متوقف کردن تپش قلب‌های بیشتر است. دوام این جنون و عقده برای ریختن خون، به هر سرانجامی برسد، آن سرانجام، آشتی و مصالحه نیست. دیر یا زود، این خون‌ریزی رقت‌بار باید متوقف شود زیرا هیچ روزنی به قطع درگیری و خشونت، جز کاهش جنگ، شدت و سرعت گرفتن مذاکرات و دستیابی به یک توافق سیاسی دیده نمی‌شود. هیچ یک از طرف‌ها، توان غلبه‌ی کامل بر دیگری را ندارد. بنابراین، هرچه این خون‌ریزی دوام و قوام بیشتری داشته باشد، زخم‌های بیشتری باز می‌کند. زخم‌هایی که می‌تواند روند متزلزل مذاکرات صلح را متزلزل‌تر، و زمینه‌ها و بسترهای رشد و بازخیزش منازعه و خشونت دیگری را در آینده چارج کند. مردم افغانستان شامل همه‌ی طیف‌ها و گروه‌ها، در زمانه‌ای که آسمان آشتی از باروت جنگ تار شده است، نباید در دام هیجان‌های تبلیغاتی و سیاسی که طرف‌های جنگ پهن کرده‌اند، اسیر شوند. این جنون باید مهار شود. همان‌طور که در محافل و مجالس سیاسی و رسانه‌ای، از ضرورت صلح و مذاکره سخن می‌گویید، در میادین و جبهات جنگ نیز، تفنگ‌ها و توپ‌ها را گل بگیرید. این کشور، پس از چند نوبت آوارگی میلیونی، ویرانی در همه‌ی ابعاد، بی‌وگی و یتیمی نسلی و مصیبت‌هایی که توصیف آن از توان خارج است، دیگر نمی‌تواند بار دیگر یک جنون فراگیر برای کشتار و ویرانی تا مرز آوارشدن همه‌چیز را تجربه کند.



اطلاعات روز: وزارت دفاع امریکا (پنتاگون) اعلام کرده است که هواپیماهای بیشتر و کمک‌های فنی و لوجستیکی را برای نیروهای امنیتی افغان به‌ویژه نیروهای هوایی این کشور فراهم می‌کند. جان اف کربی، سخن‌گوی وزارت دفاع امریکا روز پنج‌شنبه، ۱۷ سرطان در یک نشست خبری در مورد حمایت‌های امریکا از افغانستان پس از خروج نیروهای امریکایی از این کشور صحبت کرده و گفته است که با خروج نیروها از افغانستان، فرصت تمرکز امریکا به تهدیدهای دیگر تروریسم و ملت‌ها در جهان به‌ویژه در افریقا فراهم می‌شود. کربی گفته است که نیروهای هوایی افغانستان دارای سلاح‌های پیشرفته هستند. او گفته است که نیروهای هوایی افغان توانمند و آموزش‌دیده هستند و برای تأمین امنیت‌شان نیروی کافی در

اختیار دارند.

سخن‌گوی پنتاگون در این نشست خبری گفته است که رسیدن به یک توافق سیاسی برای تأمین صلح از راه مذاکره، امنیت و ثبات پایدار خواست حکومت افغانستان است.

او گفته است: «ما از تمام کشورهای منطقه می‌خواهیم آنچه را که ما برای مردم افغانستان می‌خواهیم، آنان نیز بخواهند. چیزی را که ما می‌خواهیم صلح، امنیت و روند مذاکراتی است که به توافق سیاسی بیانجامد. این به عهده افغان‌هاست و آینده‌ی‌شان توسط خودشان تعیین خواهد شد.»

با این حال، جان اف کربی گفته است که امریکا، افغانستان را زیر نظر خواهد داشت تا مطمئن شود که تروریسم در افغانستان کوچک‌ترین تهدیدی برای امریکا هم نباشد: «این دلیل بزرگی است

به نیروهای هوایی افغانستان هواپیماهای بیشتر فراهم می‌کنیم

سخن‌گوی پنتاگون:

که چرا در واقع، رییس‌جمهور دستور خروج از افغانستان را صادر کرده است.» به‌گفته‌ی او، پنتاگون از امکانات و نیرویی که در خاور میانه در اختیار دارد، برای پاسخ‌دهی به تهدیدهای احتمالی تروریسم استفاده خواهد کرد. کربی اما تأکید کرده است که حضور نیروهای امریکایی در نزدیکی افغانستان به فرماندهان امریکایی فرصت می‌دهد تا از گزینه‌های مختلف در مواقع ضروری استفاده کنند. او گفته است که به همین منظور، گفت‌وگوها با کشورهای همسایه‌ی افغانستان ادامه دارد و درحال پیشرفت است.

این درحالی است که روند خروج نیروهای امریکایی از افغانستان، براساس اطلاعات فرماندهی مرکزی امریکا (سنتکام)، حدود ۹۰ درصد تکمیل شده است. بزرگ‌ترین پایگاه نیروهای امریکایی در افغانستان در بگرام در ۱۱ سرطان تخلیه شد.

انتظار می‌رود مأموریت نظامی امریکا در افغانستان در ۳۱ ماه آگست سال جاری رسماً به پایان برسد. طبق برخی گزارش‌ها، بیش از ۶۰۰ سرباز امریکایی برای تأمین امنیت سفارت و دیپلمات‌های این کشور در افغانستان باقی خواهند ماند. پس از تصمیم جو بایدن، رییس‌جمهور امریکا مبنی بر خروج نظامیان آن کشور از افغانستان، مقام‌های امریکایی همواره تأکید کرده‌اند که خروج از افغانستان به معنای پایان همکاری‌های واشنگتن به کابل و مردم افغانستان نیست.

در جریان سفر رییس‌جمهور اشرف غنی و هیأت همراهش به واشنگتن، مقام‌های امریکایی تعهد کرده بودند که ۴۵ چرخ‌بال مختلف‌النوع و هفت فروند هوپمای جنگی A29 را در اختیار ارتش افغانستان قرار می‌دهند.

اردوغان: درباره‌ی چگونگی مسئولیت ترکیه در افغانستان تصمیم‌گیری کرده‌ایم

در کابل را به عهده بگیرد.

شماری از کشورهای عضو ناتو در نشست سران این سازمان در بروکسل با ترکیه در مورد به عهده گرفتن مسئولیت تأمین امنیت میدان هوایی کابل گفت‌وگو کردند. یک روز پیش از آن، رجب طیب اردوغان گفته بود که پس از خروج امریکا از افغانستان، ترکیه تنها کشور قابل اعتماد برای مدیریت مناسب وضعیت موجود خواهد بود. از سوی هم، طالبان به حضور نیروهای خارجی تحت هر نامی در افغانستان واکنش نشان داده و بر خروج کامل این نیروها از افغانستان تأکید کرده‌اند. این گروه گفته است در صورتی که پس از موعد معین، نیروهای خارجی در افغانستان باقی بمانند، نزد آنان اشغالگر شناخته خواهند شد.

اطلاعات روز: رجب طیب اردوغان، رییس‌جمهور ترکیه گفته است که درباره‌ی چگونگی مسئولیت ترکیه در افغانستان و این‌که ترکیه کدام مأموریت را می‌تواند بپذیرد، تصمیم‌گیری کرده‌اند. خبرگزاری آنا‌تولی ترکیه به نقل از اظهارات اردوغان نوشته است: «موضوع افغانستان را در نشست‌های دوجانبه با بایدن و بین هیأت‌های دو کشور در اجلاس ناتو بررسی کردیم، مناسب‌ترین گام را در این زمینه بر می‌داریم.» جزئیات بیشتری از صحبت‌های آقای اردوغان منتشر نشده است. این درحالی است که به دنبال آغاز روند خروج نیروهای خارجی از افغانستان، گزارش شد که قرار است ترکیه مسئولیت تأمین امنیت میدان هوایی بین‌المللی حامد کرزی

تأکید بایدن بر پایان مأموریت نظامی امریکا در افغانستان:

برای ملت‌سازی نرفته بودیم

صادر شده است، اما تنها نیمی از آنان از افغانستان خارج شده‌اند.

با این حال، او گفته است که روند صدور ویزا برای همکاران افغان نیروهای امریکایی سرعت گرفته و تیم ویژه‌ی کاری در قصر سفید برای رسیدگی به این روند ایجاد شده است.

براساس تصمیم جو بایدن، رییس‌جمهور امریکا، قرار بود تمامی نیروهای این کشور تا ۱۱ سپتامبر از افغانستان خارج شوند، اما طبق برخی گزارش‌ها، بیش از ۶۰۰ سرباز برای تأمین امنیت سفارت و دیپلمات‌های امریکایی همچنان در افغانستان باقی خواهد ماند.

فرماندهی مرکزی امریکا (سنتکام) گفته است که تا کنون به‌صورت تخمینی حدود ۹۰ درصد روند خروج نیروهای امریکایی از افغانستان تکمیل شده و هفت مرکز این نیروها رسماً به وزارت دفاع افغانستان تسلیم داده شده است.

در دو هفته تمام افغانستان را تحت تسلط خود درآوردند.

از سوی هم، جو بایدن گفته است که حکومت امریکا پس از خروج نیروهای این کشور، به نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان به ویژه نیروهای هوایی این کشور تجهیزات فراهم می‌کند.

او در مورد نگرانی‌ها به‌خاطر حفظ حقوق زنان گفته است که کشورش به حمایت از حقوق بشر به ویژه حقوق زنان و دختران در افغانستان ادامه می‌دهد، اما بار اصلی این مسئولیت اکنون به عهده حکومت افغانستان و قوای مسلح این کشور است.

همین‌طور، رییس‌جمهور امریکا گفته است که دولت او تلاش می‌کند تا مترجمان و دیگر افغان‌هایی را که برای دولت امریکا و نیروهای این کشور در افغانستان کار می‌کردند از این کشور خارج کند.

او گفته است که تا کنون ۲۵۰۰ ویزای ویژه‌ی مهاجرت برای خروج این افراد

گفته است که تمامی ظرفیت‌های لازم به‌شمول نیرو و تجهیزات برای بقام نظام وجود دارد. او افزوده است در صورتی که سیاست‌مداران افغان باهم کنار آمده و متحد شوند، هیچ گاهی نظام در این کشور سقوط نخواهد کرد.

رییس‌جمهور امریکا در پاسخ به پرسشی که آیا به طالبان باور دارد یا خیر، گفته است که او به طالبان نه، بلکه به ظرفیت نظامیان افغان باور دارد؛ زیرا به گفته‌ی او، این نظامیان آموزش دیده و مجهز هستند.

بایدن در عین حال گفته است که ۷۵ هزار جنگ‌جوی گروه طالبان در برابر نیروهای امنیتی افغانستان با کمیت ۳۰۰ هزار نفری به هیچ وجه برابری نمی‌کند. شهاب‌الدین دلاور، عضو هیأت مذاکره‌کننده‌ی طالبان اما در یک نشست خبری در مسکو، پایتخت روسیه به این اظهارات بایدن واکنش نشان داد و گفت در صورتی که طالبان بخواهند، می‌توانند

اطلاعات روز: جو بایدن، رییس‌جمهور ایالات متحده‌ی امریکا یک بار دیگر از تصمیم خود برای خروج نظامیان امریکایی از افغانستان دفاع کرده و گفته است که مأموریت نظامی امریکا در افغانستان در ۳۱ آگست سال جاری رسماً به پایان می‌رسد. آقای بایدن این اظهارات را روز پنج‌شنبه، ۱۷ سرطان در یک سخنرانی‌اش با موضوعیت خروج نیروهای امریکایی از افغانستان مطرح کرده است و گفته است که حالا به طولانی‌ترین جنگ امریکا پایان می‌دهد.

او گفته است که امریکا برای ملت‌سازی در افغانستان نرفته بود و این حق افغان‌هاست که تصمیم بگیرند کشورشان را چگونه اداره کنند. به‌گفته‌ی او، هیچ کشوری هرگز افغانستان را متحد نکرده و نه هم توانسته است که اراده‌ی خود را به‌طور دایم بر افغانستان تحمیل کند. بایدن در مورد بقای نظام در افغانستان

اسماعیل‌خان: به‌خاطر دفاع از شهر هرات به جبهات جنگ می‌رویم

پیش‌روی داشته است. این گروه در کنار سقوط برخی ولسوالی‌های هرات، کنترل گمرک‌های اسلام‌قلعه و تورغندی این ولایت را نیز به‌دست گرفته است.

در این میان، باشندگان هرات از هجوم گسترده‌ی طالبان به شهر نگران هستند و از حکومت می‌خواهند که نیروی بیش‌تر برای دفع حمله‌ی طالبان به هرات بفرستد.

پیش از سقوط ولسوالی‌ها به دست طالبان، رعب و وحشت در شهر هرات ایجاد شده و مردم کم‌تر از خانه‌های‌شان بیرون می‌شوند و شمار از دکان‌ها هم مسدود است.

۱۵ نقطه‌ی شهر هرات برای مستحکم کردن حلقه کمربندی شهر مستقر شده‌اند. به‌گفته‌ی او، حلقه کمربندی تا شامگاه امروز مستحکم‌تر خواهد شد و به دنبال آن «دشمن را از جبهه جنگ بیرون می‌کنیم.»

از جمع ده‌ها فرد مسلحی که در خانه‌ی اسماعیل خان حضور داشتند، برخی از آنان به روزنامه اطلاعات روز گفته‌اند که تا آخرین مرمی در مقابل هجوم طالبان به شهر هرات ایستادگی خواهند کرد.

گروه طالبان روز پنج‌شنبه به‌گونه‌ی «چشم‌گیری» در ولسوالی‌های هرات

نیمروز، فاریاب، هلمند و قندهار تشکیل شده است.

او بر بسیج عمومی برای مقابله با «دشمن» تأکید کرد و گفت: «جنگ بر ما تحمیل شده است و این جنگ تا سرحد سقوط ولسوالی‌ها به‌دست طالبان پیش رفته و خواستم تا حکومت تصمیم عاقلانه بگیرد، اما این کار نشد. متأسفانه به‌اثر بی‌توجهی و یا عدم آگاهی و یا امثالهم، ولسوالی‌ها به‌دست طالبان سقوط کرد و دشمن قصد این را دارد که با آبرو و عزت مردم هرات بازی کند.»

اسماعیل خان افزود که نیروهای تحت امرش شب گذشته در

فاطمه فرامرز

در بیشتر شرایط درگیری مسلحانه، بازیگران بیرونی بر روند تلاش‌های صلح تأثیر می‌گذارند. این عوامل خارجی ممکن است در وهله اول در دامن‌زدن به درگیری نقش داشته باشند یا نداشته باشند، یا بعدها از یک یا چند طرف درگیری حمایت کرده باشند یا نباشند. آن‌ها به احتمال زیاد شامل ترکیبی از طیف گسترده‌ای از سازندگان صلح، از جمله کشورهای همسایه و منطقه‌ای، قدرت‌های دورتر یا کشورهای کمک‌کننده، سازمان‌های چند جانبه‌ی منطقه‌ای و غیردولتی، صلح‌بانان خصوصی و افراد است. از انگیزه‌ها و اشکال مختلف فشار موجود می‌توان برای تقویت قدرت نفوذ و منابع معمولاً محدود شده توسط یک واسطه استفاده کرد. اما ممکن است انگیزه‌ها و فشارها که تا حدودی متمایز از سازش در روند صلح‌اند، مجموعه‌ای جدید از مشکلات را به همراه داشته باشند. این انگیزه‌ها و فشارها همچنین کمک می‌کنند به توضیح این‌که چرا، در حالی‌که هماهنگی برای مداخلات مختلف خارجی شامل مشوق‌ها، تحریم‌ها و مشروط‌ها در روند صلح یک هدف بدیهی و غیرقابل بحث به نظر می‌رسد، اما در عمل به‌طور شگفت‌انگیزی دشوار به اثبات رسیده است.

ترزا ویلفیلد، پژوهشگر و یکی از اعضای مرکز همکاری‌های بین‌المللی دانشگاه نیویورک در مقاله‌ای تحت عنوان «سازماندهی همکاری‌های بین‌المللی» در روند صلح به بررسی روش‌هایی می‌پردازد که از طریق آن هماهنگی یا مکمل‌سازی بین بازیگران خارجی می‌تواند منجر به استفاده منسجم از ابزارهای سیاست شود. تمرکز خانم ویلفیلد بر روی موانع و پتانسیل مکانیسم‌های غیررسمی است که برای دستیابی به هماهنگی فعالیت‌های دیپلماتیک در حمایت از صلح ایجاد می‌شود. چنین سازوکارهایی که به باور وی در سال‌های پس از پایان جنگ سرد شکوفا شده‌اند، بخش عمده آن به‌عنوان یک نتیجه از دو عامل مرتبط (طغیان قابل توجه در مدیریت منازعات بین‌المللی، که سازمان ملل متحد آن را رهبری می‌کند و جلوگیری قابل توجه سازمان ملل از بسیاری از فرایندهای صلح که باعث ظهور سایر صلح‌بانان شده است) به‌وجود آمده است. این جلوگیری به دلایلی از سوءظن به نفوذ اعضای قدرتمند شورای امنیت، تا عدم اعتبار در توانایی آن برای اجرای خود قطع‌نامه‌ها، یا ترس از این‌که شورا بیش از حد به منافع دولت توجه داشته باشد و یا یک کارشویه‌ای بیش از حد مداخله جویانه را پیش ببرد، ناشی می‌شود. تحریم‌ها، چالش‌های دیگری را به همراه دارد. مراحل و روش‌های که از دید خانم ویلفیلد سازماندهی اقدامات بین‌المللی را شامل می‌شود، به شرح ذیل است:

چرا هماهنگی دشوار است؟

کشورهای متعدد درگیر در یک روند صلح دارای منافع، ظرفیت و منابع متفاوت هستند. انگیزه‌ها شامل منافع استراتژیک و اقتصادی ناشی از روابط استعماری یا سایر روابطند. نگرانی در مورد امنیت منطقه‌ای، منافع «ترم‌تر» مربوط به حقوق بشر و مسائل بشردوستانه، به‌ویژه پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مشغولیت با تروریسم و تمایل به زمینه درگیری‌ها یا کشورهای ضعیف و شکست‌خورده است. این مجموعه گسترده گردانندگان به ظهور «صلح» به‌عنوان یک هدف سیاست خارجی برای بسیاری از کشورها و افزایش جهانی فعالیت‌های حل اختلاف توسط نهادهای چندجانبه، سازمان‌های منطقه‌ای و غیردولتی کمک کرده است. بااین‌حال، زمینه‌های باریکی برای خوشبینی فراهم می‌کند که «سازماندهی» هماهنگی می‌تواند به‌راحتی ظهور کند.

خارج از چند مورد استثنایی، شرایطی که به فرایند اجازه می‌دهد تحت هدایت یک واسطه اصلی که می‌تواند نقش «هدایت‌گر» یک استراتژی منسجم صلح را که شامل پشتیبانی گروهی از کشورها است، بر عهده

استراتژی‌های شکستن بن‌بست در مذاکرات صلح؛ سازماندهی اقدامات بین‌المللی (۱)



”

نگرانی در مورد امنیت منطقه‌ای، منافع «ترم‌تر» مربوط به حقوق بشر و مسائل بشردوستانه، به‌ویژه پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مشغولیت با تروریسم و تمایل به زمینه درگیری‌ها یا کشورهای ضعیف و شکست‌خورده است.

”

به تجارت یا منابع‌شان بیشتر از هدف یک عدالت و حل پایدار درگیری، طرف‌داری کند.

• بازیگران بین‌المللی با فرهنگ‌های نهادی و جریان‌های بودجه‌ای که به‌طور گسترده‌ای واگرا هستند و از پتانسیل اقدامات انعطاف‌پذیر و واکنشی که فرایند صلح به آن‌ها نیاز دارد، جلوگیری می‌کنند،

مشخصی دارند. این دستورالعمل‌های رقابتی را می‌توان معمولاً در هر دولت و سازمان یافت، بیانگر جدی بودن چالش‌هایی موجود است.

• آژانس‌های دولتی، چند جانبه یا سایر سازمان‌های بین‌المللی براساس تجربه متنوعی از نیازهای صلح، به‌ویژه با توجه به دانش طرفین درگیری، آشنایی با طراحی روند صلح، صبر لازم برای یک روند موفق و آمادگی، درگیر روند صلح می‌شوند و با بازیگران مسلح غیردولتی که ممکن است از آن‌ها متنفر باشند، درگیر می‌شوند. در نتیجه بازیگران بین‌المللی ممکن است از سیاست‌هایی استفاده کنند که شامل اقدامات اجباری مانند تحریم‌ها، رویکردهای مبتنی بر انگیزه، صلح‌بانان امیدوارکننده، کمک‌های بشردوستانه، فنی و غیره باشد که در مجموع به یک استراتژی هماهنگ به نفع یک تلاش صلح نیست، اما یک روند گیج‌کننده و حتا شاید عملکرد متناقضی با عواقب غیرقابل‌پیش‌بینی برای تلاش صلح به‌طور کلی باشد.

خطرات درگیری در اوضاع نابه‌سامان ایجاد شده زیاد است. عدم انسجام در یک تلاش میانجی‌گری به‌طور کلی آن‌را به شکست منجر می‌کند، در حالی‌که عدم انسجام بین میانجی‌گری توافق‌نامه و اجرای بعدی آن یا در درون خود اجرای زمانی‌که اولویت‌های مشخص، رقابت یا توجه چشم‌گیر کمک‌کنندگان ممکن است از یک رویکرد بیشتر براساس نیازها جایگزین شود، کاهش اثربخشی، افزایش هزینه‌ها و کاهش اعتبار بازیگران بین‌المللی را باعث شود و در یک سناریوی بدترین حالت ممکن است روند صلح را به‌طور مستقیم تضعیف کند.

مکانیسم‌های هماهنگی «چه زمانی» و «چه چیزی»

این از ویژگی ساختارهای غیررسمی مختلف و سازوکارهای هماهنگی ایجاد شده برای حل تعارض است که آن‌ها خود انتخاب می‌کنند.

وجود ساختارهای غیررسمی در وهله اول، محصول منافع خارجی در یک درگیری است اما چگونگی بروز این علاقه در ساختار گروهی، که تشکیل آن متعهد به تأمین منابع انسانی یا مالی یا مجموعه خاصی از اقدامات سیاسی نیست، بسیار متفاوت است. از اواسط دهه ۲۰۰۰ بیش از ۳۰ گروه «دوست»، «تماس» و

«اصلی» - و نظارت یا سایر ساختارها برای اجرای بیشتر توافق‌نامه‌های صلح یا سازش صلح به‌طور گسترده‌تر - قابل شناسایی است. اختلافات بین آن‌ها از نظر اهداف، کارکردها و تأثیرات آن‌ها بر روند صلح فردی، مشخص است. با این وجود، می‌توان پنج نوع ساختار گسترده را تشخیص داد که چندین نوع از آن‌ها ممکن است در یک روند خاص نقش داشته باشند:

• گروه‌های تماس نمایندگی وسایل نقلیه دیپلماتی مستقیم قدرت‌های بزرگ در روندهای مختلف صلح را دارند. اولین بار یک گروه تماس در نامیبیا ظاهر شد و طرحی را پیش کش کرد که مبنای حل‌وفصل نامیبیا شد. گروه تماس با یوگسلاوی سابق در سال ۱۹۹۴ تا حدودی برای دوزدن سازمان ملل ایجاد شد و از آن زمان اجازه داده است اختلافات بین کشورهای که بارزترین منافع آن‌ها در زمینه ثبات منطقه‌ای است، دور از انعکاس توجه شورای امنیت صورت گیرد. سازوکار مرتبط چهارجانبه موقت اتحادیه اروپا، روسیه، سازمان ملل و ایالات متحده است که برای هماهنگی اقدامات بین‌المللی در مورد خاورمیانه تشکیل شده است اما به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان وسیله‌ای برای پیش‌بینی رهبری ایالات متحده شناخته می‌شود.

• گروه‌های دوستانه، اعم از دبیرکل سازمان ملل مانند السالوادور، جورجیا یا هائیتی یا یک روند صلح خاص، ساختارهای غیررسمی‌تری هستند که به‌طور کلی برای ارائه پشتیبانی از صلح در زمینه‌هایی تشکیل شده‌اند که سطح متوسط توجه بین‌المللی را به‌خود جلب می‌کنند. گروه‌های دوستانه ممکن است در طول یک روند صلح درگیر شوند، اگرچه در طول صلح و کمک به اجرای توافق بعدی توابع مختلفی را انجام خواهند داد. همانند گروه‌های ارتباطی، تعامل دوستانه با طرف‌های درگیری غیردولتی متناسب با سطح مقبولیت بین‌المللی خواسته‌های اخیر (ایدئولوژیک، استعمارگرایی یا تجزیه‌طلبی)،

شیوه‌های مختلف کم‌وبیش سوءاستفاده از حقوق بشر یا «تروریست» بودن و میزان تعامل بین‌المللی که آن‌ها درگیری و تلاش برای پایان‌دادن به آن را دنبال کرده‌اند. سازوکارهای مرتبط شامل گروه هسته‌ای تشکیل شده برای حمایت از نقش سازمان ملل در انتقال تیمور شرقی و همچنین تروئیکای -ناروی، بریتانیا و ایالات متحده است که می‌تواند میانجی‌گری منطقه‌ای درگیری شمال و جنوب سودان را تقویت کند.

• دوستان یک کشور نیز به‌ویژه در سازمان ملل متحد تکثیر یافته‌اند، اگرچه اغلب بدون بیان مستقیم با یک روند صلح خاص است. آن‌ها تمایل دارند بزرگ‌تر از گروه دوستان خود باشند که بیشتر با عمل صلح بیان می‌شوند و فعالیت خود را در نیویورک متمرکز می‌کنند. اهداف آن‌ها از اشتراک اطلاعات گرفته تا تلاش‌ها برای به‌دست‌آوردن توجه و منابع درگیری‌هایی است که از «سیاست‌های عالی» دور شده‌اند. تأثیرات اغلب کمتر از انتظار بوده است، مانند موارد دوستان آنگولا، جمهوری آفریقای مرکزی و گینه بیسائو.

• گروه‌های اجرا و نظارت با تعیین مسئولیت‌های خود در یک توافق صلح از یک‌دیگر متمایز می‌شوند اما در میزان فعالیت مستقیم آن‌ها در نظارت بر فعالیت‌ها بسیار متفاوت است. در بیشتر شرایط، سازوکارها از الگویی که در نامیبیا تأسیس شده است پیروی می‌کنند، جایی‌که کمیسیون مشترک نظارت بر عهده نماینده دبیرکل سازمان ملل متحد بود و شامل نمایندگان طرف‌های درگیری و همچنین بازیگران اصلی خارجی بود.

• مکانیسم‌های هماهنگی برای کمک فراتر از پارامترهای نظارت بر یک توافق‌نامه نیز گسترش یافته است. کمیته ارتباط موقت کمک به مردم فلسطین برای حمایت از توافق‌نامه صلح اسلو ایجاد شد در حالی‌که شورای اجرای صلح در بوسنیا تعداد زیادی از بازیگران را برای نظارت بر کمک و تصمیم‌گیری پس از توافق‌نامه دیتون دور هم جمع کرد. گروه مشترکین کمک‌کنندگان سریلانکا به شمول اتحادیه اروپا، جاپان، ناروی و ایالات متحده که از وسعت کمتری برخوردار بود، در لحظه‌ای تأسیس شد که هماهنگی کمک برای پیشرفت روند صلح اولویت به‌نظر می‌رسید.

در موارد متعددی چنین گروهی تشکیل نشده است. تلاش برای ایجاد مکانیسم دوستان برای سومالی تا زمان تأسیس یک گروه تماس بین‌المللی در سال ۲۰۰۶ تأسیس شد. بحث در مورد گروهی از دوستان دارفور برای حمایت از گفت‌وگوها ماند. در موارد دیگر تصمیم گرفته شد که مانند سریلانکا گروهی برای حمایت مستقیم از صلح ایجاد نشود. عوامل توضیحی از عدم علاقه استراتژیک از سوی قدرت‌های بزرگ در درگیری‌های «بی‌سرپرست» به‌طور سنتی (سومالی یا بوروندی) گرفته تا اختلاف در مشارکت و درک مسأله موجود (دارفور) یا وجود یک قدرت منطقه‌ای مانند هند است که از کاهش نفوذ خود در یک ساختار گروهی متنفر است.

علاوه بر این، حتا در مواردی که گروه‌های منسجم حضور داشته باشند، آن‌ها به‌ندرت از مجموع تلاش‌های صلح‌سازانه استقبال می‌کنند. به‌عنوان نهادهای اصلی دولت‌محور، تعامل آن‌ها با بازیگران غیردولتی یا گروه‌های بخش خصوصی که راه‌های مختلف صلح را دنبال می‌کنند، در بهترین حالت پراکنده بوده‌اند و فرصت‌های ارتباط دو مسیر برای پیگیری یک تلاش که به‌ندرت کاملاً مورد بررسی قرار نگرفته است. این به‌رغم برخی از نمونه‌های شناخته‌شده صلح، توسط جامعه «سانت آگدیو» در موزامبیک یا مرکز گفت‌وگو بشردوستانه و سپس ابتکار عمل مدیریت بحران در آچه، توافق‌نامه‌های پرورش است که پس از اجرای آن‌ها توسط ارگان‌های رسمی تر نظارت می‌شود.

ادامه دارد...

ارتمیس اکبری

درحالی که هنوز آواز شلاق زدن طالبان در گوش‌ها می‌پیچد و خاطرات دادگاه‌های صحرایی در جلوی چشم مردم افغانستان است، بیم آن می‌رود که دوباره افغانستان به چنین شرایطی بازگردد. از زمان آغاز مذاکرات میان طالبان و امریکا و اکنون خروج نیروهای امریکایی از افغانستان، دگرباشان افغانستانی از بازگشت نظام طالبانی هراس دارند. آن‌ها همچنین از این‌که در مذاکرات بین دولت افغانستان و طالبان، جایگاهی ندارند بسیار نگرانند؛ نگران از این‌که دوباره نظام طالبانی برگردد و اندک امنیتی که دارند از دست دهند.

دگرباشان افغان در زمان امارت اسلامی (۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱)

طالبان در سال ۱۹۹۶ وارد کابل شدند و بعد از مدت کوتاهی سه-چهارم خاک افغانستان را اشغال کردند و تا سال ۲۰۰۱ با نام «امارت اسلامی» حکومت کردند. در این مدت طالبان به بهانه اجرای شریعت دست به اعدام‌های گسترده‌ای زدند.

در آن زمان استفاده از تلویزیون ممنوع شد و طالبان برنامه‌های خود را از طریق رادیو اعلام می‌کردند. مردان باید ریش بلند می‌داشتند و زنان باید سرتاپا پوشیده می‌بودند و بدون یک مرد محرم اجازه خروج از خانه نداشتند. قطعا در چنین شرایطی زندگی برای اقلیت‌های جنسی و جنسیتی سخت‌تر شده بود و خطر اعدام آن‌ها را بیشتر از قبل تهدید می‌کرد.

طبق گزارش روتیزر، در فیروزی سال ۱۹۹۸ به دستور ملا عمر، رهبران طالبان، سه نفر در شهر قندهار به جرم رابطه با همجنس، زنده زیر خاک به مدت ۳۰ دقیقه دفن شدند. خبرگزاری AIP می‌گوید این دستور را شخص رهبر طالبان داده بود و گفته بود که اگر بعد از ۳۰ دقیقه زنده ماندند، آن‌ها در امان می‌مانند و بخشیده می‌شوند. بعد از سی دقیقه خاک را کنار زدند و هر سه نفر زنده ماندند و به بیمارستان منتقل شدند.

یک ماه بعد در همان سال یعنی ماه مارچ سال ۱۹۹۸، طالبان دو نفر به‌نام‌های «بسم‌الله» ۲۲ ساله و «عبدالسامی» ۱۸

ساله را به جرم رابطه با همجنس تحت عنوان «لواط» در شهر هرات اعدام کردند. خبر اعدام آن‌ها توسط رادیو شریعت طالبان اعلام شد.

در رابطه با اعدام‌های همجنس‌گرایان توسط طالبان، علی مرد همجنس‌گرای ۵۲ ساله از کابل این‌گونه می‌گوید: «طالبان روزهای جمعه قبل از اذان ظهر، ترنس‌ها و همجنس‌گرایان را کنار دیوار جمع و دیوار را روی آن‌ها خراب می‌کردند که مبادا با عمل‌شان عرش خدا را به لرزه درآورند. در آن دوران زندگی خیلی سخت و دشوار بود. محکوم به مرگ بودیم. هیچ آمیدی برای زندگی نیست وقتی که تو یک همجنس‌گرا هستی. حتا مردم نه‌تنها آزار زبانی، بلکه آزار و اذیت جسمی می‌کنند. حتا در جاده قدم زده نمی‌توانی یعنی یک رقم طردشده هستی، عجیب‌الخلقه هستی و واقعا زندگی اصلا معنا ندارد در این‌طور زمان.»

شکیب، مرد همجنس‌گرا از قندوز می‌گوید: «طالبان برنامه‌های خود و لیست کسانی را که قرار بود اعدام شوند از طریق رادیو اعلام می‌کردند و روزهای جمعه همجنس‌گرایان را کنار دیواری می‌بردند و با یک بمب، دیوار را بر سر آن‌ها خراب می‌کردند.»

به‌دلیل حاکم‌بودن فضایی خفقان و بسته در دوران حکومت طالبان، رسانه‌ها نمی‌توانستند به بررسی و تحقیق میدانی درباره‌ی آنچه در حال وقوع بود، بپردازند و برای همین آمار دقیقی از اعدام دگرباشان توسط طالبان وجود ندارد.

علی ۵۲ ساله از کابل معتقد است این آمار بسیار زیاد است: «من مطمئنم که تعداد زیادی از همجنس‌گرایان اعدام شدند و آن زمان خبرهای زیادی در این رابطه شنیدم، مثلا یک ترنس را در همسایگی ما با یک گوله به سرش کشتند.»

حکومت طالبان در سال ۲۰۰۱ با حمله امریکا سقوط کرد و نظام جدیدی در افغانستان روی کار آمد. روی کار آمدن نظام جدید در افغانستان باعث شد افراد زیادی به آینده‌ای بهتر امیدوار شوند اما به‌دلیل ضعف حکومت افغانستان، دخالت کشورهای همسایه و قدرت‌های منطقه، طالبان مجددا در سال ۲۰۰۶ ظهور کردند.

شوند و زمام امور را به‌دست بگیرند. ضعف در نهاد مدنی و حکومتی از عوامل دیگر مداخله نظامی است. اندرسکی معتقد است که تعداد نظامیان نیز می‌تواند مزید بر علت شود. به عقیده او هر قدر صلاحیت و تعداد نظامیان بیشتر باشد احتمال وقوع کودتا یا مداخله نظامیان بیشتر می‌شود. از این منظر باید نیروهای نظامی را دسته‌بندی کرد و دید که کدام بخش نیروهای نظامی بیشتر مستعد گرفتن حکومت هستند. از نظر اندرسکی نیروهای زمینی ارتش به‌دلیل تعداد زیادشان و صلاحیت بیشترشان می‌توانند به حکومت برسند.

با طرح مقدمه‌ی بالا می‌خواهیم وارد این بحث شویم که تصمیم‌گیران تصمیم‌سازان سیاست خارجی پاکستان چه کسانی هستند؟

پاکستان و نظامیان

مسئله حضور قدرتمند و همیشگی نظامیان در زندگی سیاسی و اجتماعی مردم پاکستان تابع دو دسته از عوامل داخلی و خارجی است که از منظر تاریخی می‌بایست مورد بررسی قرار گیرد. حضور نظامیان در سیاست پاکستان به آغازین سال‌های تشکیل این کشور بازمی‌گردد. محمدعلی جناح به‌عنوان بنیانگذار استقلال پاکستان از هند، یک شخصیت غیرنظامی بود، اما نظامیان پاکستانی که قبلا بخشی از ارتش هند را تشکیل می‌دادند، در فرایند استقلال و مهاجرت مسلمانان هند به پاکستان و همچنین تلاش برای جداسازی ایالت مسلمان‌نشین کشمیر از هند دارای نقشی برجسته در قالب کمک‌های لوجستیکی و عملیاتی بودند. ارتش پاکستان در نگاه مردم به نگاهی هویت ملی در برابر تجاوز احتمالی هند تبدیل شد چرا که پاکستانی‌های مسلمان هویت ملی خود را در چارچوب خصومت با هویت هندو تعریف می‌کردند.

نظامیان بخش مهمی از تاریخ پاکستان بوده‌اند، گاهی این نظامیان به‌صورت مستقیم

علی‌سجاد مولایی

اشاره: این نوشته نخستین نوشته از یک سلسله نوشته‌ها در مورد مسائل پاکستان است که از این آدرس به نشر خواهد رسید.

نظامیان و سیاست

در مورد حضور نظامیان در سیاست دو دیدگاه وجود دارد. افرادی طرفدار دیدگاه نخست، براین باورند که نظامیان نباید وارد سیاست شوند. نظامیان باید از سیاست دور نگهداشته شوند، زیرا سیاسی‌شدن نظامیان سبب می‌شود تا این نیروها از حالت بی‌طرفی خارج شوند و این کنش می‌تواند تبعات زاینبار داشته باشد، از جمله اضمحلال و فروپاشی ارتش. تأکید این دیدگاه براین است که نیروهای نظامی باید کار ویژه و مأموریت اصلی، یعنی حفاظت از تمامیت ارضی و تأمین امنیت، را انجام بدهند. ساموئل هانتینگتون نظریه‌ی ارتش حرفه‌ای (Professional Army) را مطرح می‌کند. به عقیده‌ی او هر اندازه نهاد دموکراتیک تقویت شود، احزاب و دستگاه اجرایی قدرتمند باشد، فضا را برای مداخله ارتش محدود می‌کند. البته ارتش حرفه‌ای رابطه مستقیم با توسعه یافتگی و رشد اقتصادی دارد. نظامیان نمی‌توانند در جوامع مدرن و بسپج‌شده حکومت کنند. اگر فرض براین باشد که نظامیان در یک جامعه مدرن روی کار بیایند، این دوره موقتی و برای مدت معین خواهد بود تا دوباره حکومت غیرنظامی دیگر شکل بگیرد.

دیدگاه دوم، براین باور است جوامع کمتر توسعه‌یافته و جهان سومی بیشتر مستعد روی کار آمدن نظامیان است. چون هراندازه درآمد دولت نسبت به مصارف کلی دولت کمتر باشد احتمال دخالت نظامی بیشتر می‌شود. طرفداران این دیدگاه معتقدند که هر گاه حکومت نتواند کارویژه اصلی خود یعنی امنیت، آرامش، آزادی و رفاه برای شهروندان را به ارمغان بیاورد، نظامیان باید وارد میدان

نگرانی دگرباشان از قدرت‌گرفتن طالبان

رنگین‌کمانی‌ها برای روزهای دشوارتر آماده می‌شوند



دگرباشان افغان بعد از سقوط امارت اسلامی ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۱

گروه طالبان به حملاتش علیه دولت و ملت ادامه داده تا امروز. طبق گزارش سیگار هرساله بر خاکی که نیروهای شورشی طالبان بر آن تسلط دارد، افزوده می‌شود.

بنا بر آمار سیگار (بازرس ویژه امریکا در بازسازی افغانستان) دولت افغانستان در سال ۲۰۱۵ بر ۷۲ درصد خاک خود تسلط داشته و در سال ۲۰۱۶ بر ۶۳ درصد تسلط داشته و دو سال بعد این رقم به ۵۲ درصد کاهش یافت. این آمار نشان‌دهنده‌ی قدرت‌گرفتن مجدد طالبان است. طالبان در مناطقی که حکومت می‌کنند و یا نفوذ دارند، به حل اختلافات و دعاوی طبق قوانین شریعت بین ساکنان آن مناطق می‌پردازند.

احمدفرید، مرد همجنس‌گرا می‌گوید: «در

ولسوالی که ما هستیم طالبان فیصله‌ها را بین مردم انجام می‌دهند و دولت نفوذ کمتری دارد. این فیصله‌ها طبق قوانین اسلام است.» فرهاد ۲۳ ساله، همجنس‌گرا که خود قربانی بمب کنارجاده‌ای طالبان است و یک پای خودش را در این بمب‌گذاری از دست داده، می‌گوید: «در ولایتی که من زندگی می‌کنم از چهار طرف توسط طالبان محاصره‌ایم و در یک کیلومتری ولسوالی ما طالبان است. در این‌جا دولت نفوذ زیادی ندارد و این باعث شده طالبان آزادانه در شهر ما باشند و در زندگی ما دخالت کنند. من همیشه با این ترس زندگی می‌کنم که مبادا متوجه همجنس‌گرا بودن من شوند، چون مطمئنم که مرا خواهند کشت.» فرهاد به‌دلیل قطع پا، می‌گوید راه فرار هم ندارد.

هرچند با روی کار آمدن نظام جدید، وضعیت

اقلیت‌های جنسی و جنسیتی تغییر جدی نکرد و از حمایت قانونی برخوردار نشدند، اما با این حال مجازات‌های سنگینی همچون اعدام برای رابطه‌ی دو همجنس وجود ندارد. طبق صحبت‌های عده‌ای از جامعه‌ی کوپیر، محدودیت‌های کمتری در نظام جدید وجود دارد که همین مسأله باعث شده است دگرباشان افغان نظام فعلی را با وجود همه مشکلات و محدودیت‌هایش به نظام طالبان ترجیح دهند.

سمیر مرد ترنس می‌گوید: «درست که نیروهای امنیتی ما را آزار می‌دهند و در افغانستان قانونی وجود ندارد تا ما بتوانیم عمل تطبیق جنسیت انجام بدهیم و یا شناسنامه جدید بگیریم اما با این حال نسبت به طالبان بهتر است چون حداقل ما را نمی‌کشند.»

نظامیان و سیاست خارجی

سیاست خارجی پاکستان را چه کسانی می‌سازند؟

حضور نظامیان در سیاست پاکستان بود. در این دوره رابطه ایالات متحده و پاکستان گسترش یافت. در این دوره اسلام سیاسی نیز در پاکستان افزایش چشم‌گیر داشت.

سومین کودتای نظامی ۱۹۹۹، زمانی که جنرال پرویز مشرف رییس ستاد ارتش در حال بازگشت از سریلانکا بود، هواپیمای حامل او اجازه نشست در فرودگاه را پیدا نمی‌کند. این موضوع سبب می‌شود تا نظامیان طرف پرویز مشرف، حکومت نخست نوازشریف را سرنگون و حکومت نظامی را اعلان کنند. مشرف چهارمین جنرال نظامی بود که رییس‌جمهور پاکستان می‌شد.

سبک‌دوش شده بودند. وجود فساد گسترده اداری و عدم مدیریت درست او سبب شد تا جنرال ایوب خان فرمانده کل ارتش پاکستان در ۲۷ اکتوبر با کودتای نظامی حکومت او را سرنگون کند.

دومین کودتای نظامی در سال ۱۹۷۷، در نیمه‌شب ۵ جولای ۱۹۷۷ کد یا رمز کودتا که «بازی جوان‌مردانه» بود فعال شد. حکومت نخست‌وزیر ذولفقارعلی بوتو توسط جنرال ضیالاحق سرنگون شد. جنرال ضیالاحق تمام سران حزب مردم پاکستان را دستگیر کرد و نخست‌وزیر بوتو را اعدام کرد. دوران حکومت نظامی ۱۱ ساله جنرال ضیالاحق، دوران اوج

حکومت را شکل دادند و یا هم به‌صورت غیرمستقیم در تشکیل حکومت‌ها شامل بودند. نظامیان پاکستان تا حالا سه بار از طریق کودتای نظامی حکومت را به‌دست گرفته‌اند.

کودتای نخست در سال ۱۹۵۸، در ۱۷ اکتوبر جنرال اسکندر میرزا نخستین رییس‌جمهور قانون اساسی را لغو و مجلس نمایندگان را انحلال کرد و نخست‌وزیر ابراهیم اسماعیل چندریگار را برکنار کرد. چندریگار سومین نخست‌وزیری بود که در حکومت اسکندر میرزا برکنار می‌شد؛ قبل از او چودهری محمدعلی و حسین شهید سهروردی نیز



ترجمه

چرا هند با طالبان کانال پشت پرده باز کرد؟

بین‌الافغانی در دوحه، علاقه‌مندی کشورش را برای گفت‌وگو با طالبان نشان داد. یک هیأت بلندپایه هندی نیز در این گفت‌وگوها حضور داشتند. این اولین بار بود که مقامات عالی‌رتبه هند در نشست با حضور نمایندگان طالبان شرکت می‌کردند. از آن زمان به بعد مقامات امنیتی هند شروع به بازکردن کانال‌های ارتباطی با چندین جناح طالبان که «ملی‌گرا» یا خارج از حوزه نفوذ پاکستان و ایران تلقی می‌شوند، کرده‌اند.

هند با بازکردن کانال‌های پشت پرده به دنبال محافظت از منافع امنیتی و سرمایه‌گذاری‌های دهلی نو در افغانستان پس از خروج آمریکا از این کشور است. به‌ویژه این که هند می‌خواهد اطمینان حاصل کند که گروه‌های مسلح متمرکز بر کشمیر مانند لشکر طیبه و جیش محمد از افغانستان به‌عنوان پایگاهی برای حمله به کشمیر تحت مدیریت هند استفاده نمی‌کنند. داشتن کانال پشت پرده با طالبان می‌تواند به مقامات هندی کمک کند تا اطمینان حاصل کنند که افغانستان در سال‌های آینده به تهدید امنیتی کلان برای دهلی نو تبدیل نمی‌شود.

طالبان نیز می‌توانند از طریق کانال پشت پرده خود با هند نفع زیادی ببرند. این گروه پس از خروج ایالات متحده از افغانستان برای دستیابی به اهداف توسعه و بازسازی خود به کمک خارجی قابل توجهی نیاز خواهد داشت. هند می‌تواند این کمک را در ازای تضمین‌های امنیتی فراهم کند.

برقراری ارتباط با طالبان همچنین می‌تواند با به حداقل رساندن احتمال جنگ نیابتی هند و پاکستان در افغانستان پسا ایالات متحده، بر روند صلح افغانستان نیز تأثیر مثبت بگذارد. اگر هند موفق شود روابط دوجانبه غیررسمی با طالبان برقرار کند، افغانستان می‌تواند در آینده از هرگونه درگیری بین هند و پاکستان دور بماند و در عوض به مشکلات و چالش‌های داخلی خود بپردازد.

اما موفقیت تماس‌های پشت پرده هند با طالبان، دست‌کم تا حدی، به واکنش پاکستان بستگی دارد. اسلام‌آباد در بهترین حالت ترجیح می‌دهد بی‌طرف بماند؛ نه طالبان را تشویق به ادامه این تماس‌ها می‌کند و نه دل‌سرد. در بدترین حالت اما اسلام‌آباد عناصر درون طالبان را که با هند صحبت می‌کنند به حاشیه می‌راند و این گروه را از برقراری تماس با دهلی نو باز می‌دارد.

طالبان در برابر تنش اخیر بین هند و پاکستان بر سر لغو وضعیت نیمه‌مستقل کشمیر در آگوست ۲۰۱۹ بی‌طرف ماندند و نشان دادند که به دنبال ایجاد سیاست خارجی مستقل از پاکستان‌اند. با این‌که بدون هیچ شکی طالبان هنوز به پاکستان بسیار وابسته است، اما پیشرویی‌های ارضی اخیر این گروه در برابر دولت افغانستان، رشد روزافزون استقلال مالی این گروه و روابط دیپلماتیک تازه شکل‌گرفته این گروه با سایر بازیگران تأثیرگذار جامعه بین‌المللی، طالبان را از سطح مشخصی از استقلال برخوردار می‌کند. طالبان در موقعیتی قرار گرفته که می‌توانند به یک قدرت سیاسی موردقبول جامعه بین‌المللی تبدیل شوند. و این گروه به آرامی در حال فرار از چنگ پاکستان‌اند.

همه‌ی این‌ها نشان می‌دهد که طالبان به‌رغم مخالفت پاکستان به گفت‌وگو با هند ادامه خواهند داد. با این حال فقط زمان نشان خواهد داد که آیا این گفت‌وگو در برقراری امنیت و ثبات به‌شدت موردنیاز منطقه موفق خواهد شد یا خیر.

عبدال باسط، پژوهش‌گر دانشکده مطالعات بین‌المللی «راجاراتنام» دانشگاه «نایانگ» سنگاپور است.

عبدال باسط، الجزیره
مترجم: جلیل پژواک

در آنچه تغییری مهم در سیاست دهلی نو به‌نظر می‌رسد، هند اخیراً اذعان کرد که با طالبان افغانستان کانال پشت پرده باز کرده است.

اوایل ماه جون رسانه‌های هند گزارش دادند که با خروج نیروهای امریکایی از افغانستان، دهلی نو گفت‌وگوی خود را با برخی از جناح‌ها و رهبران گروه طالبان آغاز کرده است. چند روز بعد وزارت امور خارجه هند این گزارش‌ها را تقریباً تأیید کرد، اما تأکید کرد که «ما با ذینفعان مختلف... در راستای تعهد بلندمدت خود برای توسعه و بازسازی افغانستان در تماس هستیم.»

رهبران طالبان مستقر در کوئته و مقامات قطر نیز گفت‌وگوهای پشت پرده هند را تأیید کرده‌اند. هند تا همین اواخر تمایلی به برقراری تماس علنی با طالبان نداشت. هند می‌تسید که چنین حرکتی روابط دهلی نو را با کابل و حامیان قدرت‌مند منطقه‌ای و جهانی افغانستان آسیب برساند. درحالی‌که مقامات استخباراتی هند برای محافظت از منافع دهلی نو گاهی با جنگ‌جویان طالبان در تماس بود - به‌ویژه در سال ۲۰۱۱ برای آزادی مهندسان و پرسنل ربه‌شده‌ی هندی که در افغانستان کار می‌کردند - اما دهلی نو از بازکردن کانال ارتباطی دائمی با این گروه همواره خودداری می‌کرد.

دهلی نو گروه طالبان را چیزی جز پروکسی رقیب منطقه‌ای اصلی خود یعنی اسلام‌آباد نمی‌دانست و معتقد بود که تماس مستقیم با این گروه نفع زیادی برای هند به همراه ندارد. علاوه بر این، دهلی نو نمی‌خواست با ورود به گفت‌وگو با طالبان سیاست رسمی خود را که عدم گفت‌وگو با «گروه‌های شبه‌نظامی» است، به خطر بیندازد. دهلی نو معتقد بود که تغییر این سیاست، باعث خواهد شد فشارها بر دهلی نو برای شروع گفت‌وگو با گروه‌های شورشی کشمیری افزایش یابد.

اما در چند سال گذشته اوضاع تا حد زیادی تغییر کرد.

در سال ۲۰۱۵ ایران و روسیه حمایت خود را از طالبان برای جلوگیری از گسترش نفوذ گروه مسلح دیگری در افغانستان، یعنی دولت اسلامی (داعش) آغاز کردند. تهران و مسکو با آگاهی از ضعف نیروهای امنیتی افغانستان و با آگاهی از قدرت عملیاتی طالبان، تصمیم گرفتند برای مهار داعش با طالبان رابطه کاری برقرار کنند.

از آن زمان طالبان توانسته با تقویت تدریجی روابط دیپلماتیک خود با جامعه بین‌المللی، با به‌دست‌آوردن قلمرو بیشتر از جنگ دولت افغانستان و با امضای توافق‌نامه صلح تاریخی با ایالات متحده در فیبروری سال ۲۰۲۰، جایگاه خود را به‌عنوان یک ذینفع مشروع در افغانستان تثبیت کند. آنچه اکنون به صورت گسترده‌ای پذیرفته شده است، این است که طالبان پس از پایان روند خروج ایالات متحده از افغانستان تا سپتامبر ۲۰۲۱، همچنان از نفوذ قابل توجهی بر افغانستان برخوردار خواهد بود.

این تحولات هند را در موقعیت دشواری قرار داد و دهلی نو مجبور شد درباره رویکرد خود نسبت به این گروه تجدیدنظر کند. سرانجام دهلی نو تصمیم گرفت تا با جناح‌های نسبتاً دوستانه طالبان کانال پشت پرده باز کند و از اذیت‌دادن فضای استراتژیک به رقبای منطقه‌ای خود، به ویژه اسلام‌آباد، پس از خروج آمریکا از افغانستان جلوگیری کند.

در ماه سپتامبر ۲۰۲۰، سوپرمانیام جایشانکار، وزیر امور خارجه هند برای اولین بار با شرکت مجازی در گفت‌وگوهای صلح

افغان می‌گوید: «این توافق صرفاً بین امریکا و طالبان بوده و هیچ سودی برای مردم ندارد. طالبان هیچ تغییری نکرده‌اند و هنوز همان افکار پوسیده را دارند. هرگز نمی‌شود به چنین توافقی اعتماد کرد. اگر طالبان برگردند من افغانستان را ترک خواهم کرد چون اندک امنیتی که دارم از بین خواهد رفت.»

زهره، زن همجنسگرای افغان می‌گوید: «وقتی گروه طالبان زنان را به‌عنوان نیمی از جامعه به رسمیت نمی‌شناسند و در مذاکرات هیچ نماینده‌ی زن ندارند، نباید هم این توقع را داشت که طالبان یک اقلیت کوچک را که از نظر آن‌ها صرف وجودشان گناه است به رسمیت بشناسند.»

در ماه‌های اخیر با خروج نیروهای امریکایی از افغانستان، حملات طالبان افزایش یافته و ولسوالی‌ها یکی پس از دیگری سقوط می‌کنند. با گذشت بیش از یکسال از توافق طالبان با امریکا، نه‌تنها خشونت‌ها کم نشده، بلکه چندبرابر شده است. این باعث نگرانی شدید مردم افغانستان به‌ویژه دگرباشان جنسی و جنسیتی شده است.

نویس، مرد همجنسگرا از ولایت بغلان می‌گوید: «در این چند ماه، چندین بار بغلان سقوط کرد و من هر بار ترس داشتم که بفهمند من همجنسگرایم و من را بکشند. برای همین ارتباطم با پارتنرم را قطع کردم تا کسی متوجه رابطه‌ی ما نشود.»

حدود یک سال است که مذاکرات بین‌الافغانی شروع شده است، اما در این مذاکرات حقوق دگرباشان جنسی و جنسیتی مطرح نیست و نماینده‌ای برای دفاع از حقوق دگرباشان وجود ندارد. بیم آن می‌رود که دوباره مجازات سنگینی همچون سنگسار، شلاق، خراب کردن دیوار بر سر آنان توسط طالبان اعمال شود و دگرباشان افغان خود را برای شرایط سخت‌تری آماده می‌کنند.

اما چیزی که بیش از هر زمانی اهمیت دارد، رساندن صدای حق‌خواهی دگرباشان افغانستان به فعالان سیاسی و اجتماعی، سیاستمداران و دولت‌های درگیر مذاکرات صلح است تا با وضع قوانین قوی نگذارند یک گروه اسلام‌گرای افراطی حقوق انسانی اقلیت‌های جنسی و جنسیتی افغانستان را زیر پا بگذارند.

تحلیل

هم این منازعه به نبردهای کوچک (خفیف) و مرزی ختم شده است. آخرین جنگ شدید میان هند و پاکستان به نبرد کارگیل در ۲۰۰۹ بر می‌گردد.

این دو فکتور سبب شده است تا نظامیان بیشتر مداخله را در سیاست خارجی پاکستان داشته باشند. نظامیان پاکستان با این استدلال که هرآن امکان دارد یکی از این دو همسایه‌ی متخاصم به پاکستان حمله کند، در متن سیاست‌سازی خارجی بودند و عملاً ارتش و سازمان اطلاعات پاکستان خطوط سیاست خارجی پاکستان را می‌سازند و وزارت خارجی مجری آن است.

البته ارتش پاکستان از نظر قانون اساسی نیز دست باز دارد. پس از استقلال و زمانی که قرار بود نقش ارتش در قانون اساسی واضح شود، رییس شورای نظامی و وزیر دفاع و نخست‌وزیر وقت پاکستان لیاقت‌علی خان گفت که نظامیان دو کارویژه داخلی و بیرونی دارند؛ که این سبب می‌شود تا نظامیان پاکستان دست بازی در سیاست داخلی و خارجی پاکستان داشته باشند. سیاست‌های امنیتی و خارجی پاکستان همواره براساس برآوردهای استراتژیک ارتش و داده‌های سیری سازمان اطلاعات داخلی شکل می‌گیرد.

در دهه‌ی اخیر و پس از پایان حکومت نظامی جنرال پرویز مشرف حرف و حدیث‌های فراوانی پیرامون کاهش نقش ارتش در سیاست خارجی مطرح گشته است. اما ناظران پاکستان معتقد هستند که هنوز هم نظامیان کارگزاران اصلی سیاست خارجی پاکستان هستند.

به‌صورت کلی، روابط هند و پاکستان و معضل کشمیر، روابط افغانستان و پاکستان و مسأله‌ی خط دیورند و روابط چین، امریکا و پاکستان از مهمترین عواملی هستند که سبب حضور دوام‌دار نظامیان در سیاست خارجی پاکستان شده است.

جایگاه اقلیت‌های جنسی و جنسیتی در نظام فعلی افغانستان

در قانون اساسی افغانستان به‌طور مستقیم به وضعیت حقوقی دگرباشان جنسی و جنسیتی اشاره‌ای نشده است و وضعیت غیرشفافی دارد. اما طبق گفته حقوقدانان، شکی نیست که در افغانستان روابط همجنس جرم تلقی می‌شود و هیچ قانون حمایتی برای ترنس‌ها، بیناجنسی‌ها و سایر دگرباشان جنسی و جنسیتی وجود ندارد.

در بند ۴۲۷ قانون جزایی افغانستان رابطه جنسی دو مرد را لواط توصیف کرده و مجازات آن حبس طولانی است و طبق ماده ۶۰ قانون مدنی افغانستان: «ازدواج عقدی است که معاشرت زن و مرد را برای تشکیل خانواده به رسمیت می‌شناسد.»

پس طبق این دو ماده می‌توان این تفسیر را کرد که رابطه‌ی همجنس در قانون افغانستان جرم تلقی می‌شود و به رسمیت شناخته نمی‌شود.

در قانون درباره‌ی وضعیت حقوقی ترنس‌ها و انترسکس‌ها هم قانون روشن و شفافی وجود ندارد. فقط در ماده ۲۰۵۷ از آن‌ها به‌عنوان جنس خنثا نام برده شده است و در این ماده آمده است:

«شخصی که زن و مرد بودن او مشخص نباشد سهم ارث کمتری نسبت به دختران و پسران بهره‌مند می‌شود.» این قانون هم تبعیض آشکار علیه ترنس‌ها و بیناجنسی‌های افغانستانی است که حق آن‌ها در مسأله ارث و میراث پایمال می‌شود.

صلح با طالبان

طالبان و امریکا بعد از مذاکرات فشرده در ۲۹ فیبروری ۲۰۲۰ توافق‌نامه صلحی را با یکدیگر امضا کردند که امریکا متعهد می‌شود نیروهای خود را ظرف ۱۴ ماه از افغانستان خارج کند که این توافق با این‌که باعث ایجاد نور امید در قلب بسیاری از مردم شده، باعث ایجاد نگرانی‌هایی بین فعالان مدنی و سیاسی نیز شده است که مبدا حقوق بشر در افغانستان قربانی معاملات سیاسی شود. جامعه دگرباش افغانستان نسبت به این توافق خوشبین نیستند و معتقدند که این توافق‌نامه، صلحی به افغانستان نمی‌آورد. در این خصوص سهیل، مرد همجنسگرای

نظامیان و سیاست خارجی

تحلیل و تجزیه سیاست خارجی به‌مثابه‌ی رمزگشایی جعبه سیاه است. چون تحلیل سیاست خارجی کاربست سخت و نیازمند افراد متخصص خود این حوزه که بر مبنای تیوریک این حوزه اشراف دارند. تحلیل سیاست خارجی در حینی که جذاب و مهم است به همان اندازه پیچیده و مشکل است.

از زمان پیدایش پاکستان در ۱۹۴۷ تاکنون این کشور در سیاست خارجی خود دو هدف عمده را تعقیب کرده است. امنیت و بقا از طریق بالابردن توانایی نظامی و توسعه و رشد اقتصادی دو هدف اصلی سیاست خارجی پاکستان است. سیاست خارجی پاکستان بر این مبنا طراحی شده است تا این کشور را از هرگونه حمله‌ی بیرونی ایمن کند. البته این هراس در سیاست خارجی پاکستان بی‌جهت و بدون دلیل هم نیست. پاکستان با دو همسایه‌ی خود، یعنی افغانستان و هند، مناقشه ارضی و تاریخی دارد. افغانستان همواره مدعی بوده است که مناطق قبایلی و پشتون‌نشین به‌لحاظ تاریخی جزو قلمرو این کشور بوده است. این مسأله در سیاست خارجی پاکستان تبدیل به یک معمای امنیتی شده است. هراس از این که حکومت افغانستان به این مناطق یورش ببرد یا هم رهبران آزادی‌خواه پشتون و بلوچ را بسیج کند تا علیه حکومت پاکستان شورش کنند، در اذهان سیاست‌گذاران خارجی پاکستان وجود داشته است.

جامو و کشمیر، معضل دیگر در سیاست خارجی پاکستان است که لاینحل باقی مانده است. مسأله‌ی جامو و کشمیر میراث دوره استعمار است. بعد از استقلال هند، این کشور به کشور مسلمان و هندو تقسیم شد. همین موضوع سبب شد تا یکی از جدی‌ترین مناقشات ارضی در نظام بین‌الملل میان هند و پاکستان شکل بگیرد. تاکنون هند و پاکستان چندین بار به‌صورت جدی با همدیگر وارد جنگ (سخت و شدید) شوند و چندین بار



اگر سخن‌گویان دولت شویم



سخن‌داد هائف

حکومتی‌های ما می‌گویند ما نباید سخن‌گوی طالبان شویم. اخیراً یکی از مشاوران ارشد رییس‌جمهور گفته که روزنامه‌نگاران و اهل رسانه‌ی ما بخشی از جمهوریت هستند و بهتر است از جمهوریت دفاع کنند.

من می‌گویم گل به دهان‌تان. بیابید سخن‌گوی طالبان نشویم. اصلاً بیابید سخن‌گوی دولت شویم. یعنی به نفع دولت

تبلیغات کنیم. از کجا شروع کنیم؟ یک نقطه‌ی خوب برای آغاز این است که از سخن‌گویان موجود دولت بیاموزیم. ببینیم مسئولان تبلیغات دولت در برابر ماشین تبلیغاتی طالبان چه کار می‌کنند.

طالبان می‌گویند فلان ولسوالی را به تصرف خود درآورده‌اند. سخن‌گویان دولت می‌گویند این دروغ است. بعد طالبان از سقوط آن ولسوالی فیلم و عکس منتشر می‌کنند.

سخن‌گویان دولت می‌گویند این چیزها در جنگ طبیعی هستند. بعد معلوم می‌شود که فرارکردن هزار سرباز دولتی از برابر دودش نفر طالب چندان طبیعی نیست. سخن‌گویان دولت می‌گویند جلسه‌ی معارفه‌ی سرپرست جدید وزارت معادن با کارمندان آن وزارت برگزار گردید.

سخن‌گویان دولت می‌گویند پروژه‌ی بزرگ اعمار دو هزار مکتب جدید در سراسر کشور کلید خورد. یک سال بعد می‌پرسیم آن مکتب‌های جدید چه شدند. سخن‌گویان دولت می‌گویند کدام مکتب‌ها؟ می‌گوییم همان پروژه‌ی بزرگ اعمار دو هزار مکتب جدید. سخن‌گویان دولت می‌گویند برگشتن کشور به وضعیت دهه‌ی هفتاد شمسی و جنگ‌های خونین داخلی فاجعه است. می‌گوییم آری، آن که درست است؛ ولی سوال ما در باره‌ی پروژه‌ی بزرگ اعمار دو هزار مکتب جدید بود. سخن‌گویان دولت می‌گویند مردم افغانستان هرگز اجازه نخواهند داد که بیگانگان یک بار دیگر اقوام ما هم برادر افغانستان را به جان هم بیندازند.

می‌شنویم که سربازان اردوی ملی برای سه هفته در محاصره‌ی دشمن بوده‌اند و هیچ کمکی برای‌شان نرسیده است. سخن‌گویان دولت می‌گویند رییس‌جمهور در دیدار با ماجده بنت عبدالحسن، یکی از معلولان جنگ‌های داخلی، مبلغ پانزده

هزار افغانی را از حساب شخصی خود به آن خانم اهدا کرد. در این دیدار که معاون اول و دوم رییس‌جمهور نیز شرکت داشتند، رییس‌جمهور به وزیر امور زنان هدایت داد که در ظرف سه ماه طرح جامعی را در مورد حمایت از زنان معلول آماده کند و به دفتر ریاست‌جمهوری بفرستد. می‌گوییم چرا دولت نمی‌تواند به سربازان محاصره‌شده توسط دشمن کمک کند. سخن‌گویان دولت می‌گویند عیسا زیارمل اولین جوان افغانستان است که در افریقای جنوبی به افتخار مدال برنز در رقابت‌های اسپدونانی آن کشور دست یافته است و ما این موفقیت را برای این جوان صمیمانه تبریک عرض می‌کنیم.

می‌شنویم که بیهوش‌های سربازان و افسران کشته‌شده‌ی اردوی ملی در ادارات دولتی مورد آزار و سوء استفاده قرار می‌گیرند. سخن‌گویان دولت می‌گویند تضعیف نظام به نفع هیچ کس نیست. می‌گوییم آری، ولی شما آیا فکر نمی‌کنید آزاری که به بیهوش‌های سربازان و افسران کشته‌شده می‌رسد، نظام را تضعیف می‌کند. سخن‌گویان دولت در پاسخ وفات جانسوز استاد محمد قیوم پاینده را تسلیت می‌گویند. می‌گویند آن مرحوم از همان آوان جوانی کمر به خدمت به این سرزمین بست. می‌گویند مقام ریاست‌جمهوری به وزارت معارف دستور داده که طرح ساختن یک مقبره‌ی هشت در

دوازده برای استاد پاینده را مورد بررسی قرار دهد.

• خبر می‌رسد که نود درصد زندانی‌های ره‌اشده‌ی طالب به میدان جنگ علیه دولت برگشته‌اند. سخن‌گویان دولت می‌گویند بلی، متأسفانه این حقیقت دارد. می‌گوییم ولی دولت اعلام کرده که هفت هزار نفر دیگر را هم تحت فلان شرایط رها خواهد کرد. سخن‌گویان دولت می‌گویند مردم افغانستان به آن سطح از شعور سیاسی رسیده‌اند که دیگر دنبال رهبران عوام‌فریب نروند. می‌گوییم چه ربط داشت؟ می‌گویند رییس‌جمهور در شبانه‌روز شانزده ساعت کار می‌کند. می‌گوییم درست، ولی بحث این نبود. می‌گویند صادرات زعفران کشور در سه سال گذشته رشد چهل‌وهفت درصدی داشته است.

ملاحظه می‌کنید که هرچند سخن‌گوی طالب شدن بد است، سخن‌گوی دولت شدن هم روی می‌خواهد به درستی پوست کروکودیل. همین چند روز پیش من با کسی گپ می‌زدم که قصد دارد ۹ ماه بعد سخن‌گوی دولت شود. می‌گفت سقوط ولسوالی سقوط نیست؛ فرصت درخشانی است برای بازپس گرفتن آن از نزد دشمن. می‌گفت علوم مدرن نشان داده‌اند که وقتی یک ولسوالی را از نزد دشمن پس می‌گیرید، مزه‌ی داشتن آن ولسوالی در دایره‌ی نفوذ دولت صد برابر می‌شود.

	دکترهنی، اوبولگولواومالداری وزارت زراعت، آبیاری و مالمداری	معینیت مالی و اداری ریاست تهیه و تدارکات امریت تدارکات امور ساختمانی مدیریت عمومی تدارکات امور ساختمانی	د افغانستان اسلامی جمهوریت جمهوری اسلامی افغانستان	
«دعوت به داوطلبی روش باز داخلی»				
شماره دعوت به داوطلبی MAIL/PD/NCB/W/293-2-MAIL/PD/NCB/W/293-1/1400				
ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالمداری از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تا در پروسه داوطلبی پروژه ذخیره آب واقع قریه گورسال ولسوالی واما و پروژه ذخیره آب قریه نشتگرام ولسوالی وایگل ولایت نورستان اشتراک نموده شرطنامه مربوطه را از وب سایت اداره تدارکات ملی (www.npa.gov.af) بدست آورده، آفر های خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرزالعمل تدارکات طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی ۱۶ساعت ۱۴۰۰ساعت ۱۰:۰۰قبل از ظهر به تعمیر عقب منابع بشری اطاق جلسات ریاست تهیه و تدارکاتارایه نمایند، آفر های ناوقت رسیده و انترنتی قابل پذیرش نمیباشد. تضمین آفر بصورت تضمین خط بانکی برای لات اول (۲۱۰,۰۰۰) دوصد و ده هزار افغانی و برای لات دوم (۵۵,۰۰۰) پنجاه پنج هزار افغانی بوده و جلسه آفرگشائی بتاریخ معینه ساعت ۱۰:۰۰قبل از ظهر در اطاق جلسات آفرگشائی ریاست تهیه تدارکات تدویر میگردد.				

	دکترهنی، اوبولگولواومالداری وزارت زراعت، آبیاری و مالمداری	معینیت مالی و اداری ریاست تهیه و تدارکات امریت تدارکات امور ساختمانی مدیریت عمومی تدارکات امور ساختمانی	د افغانستان اسلامی جمهوریت جمهوری اسلامی افغانستان	
«دعوت به داوطلبی روش باز داخلی»				
شماره دعوت به داوطلبی MAIL/PD/NCB/W/294/1400				
ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالمداری از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تا در پروسه داوطلبی پروژه شبکه پایب کانال دشت عرب واقع قریه دشت عرب ولسوالی مرکز بهسود ولایت میدان وردک اشتراک نموده شرطنامه مربوطه را از وب سایت اداره تدارکات ملی (www.npa.gov.af) بدست آورده، آفر های خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرزالعمل تدارکات طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی ۱۴ساعت ۱۴۰۰ساعت ۱۰:۰۰قبل از ظهر به تعمیر عقب منابع بشری اطاق جلسات ریاست تهیه و تدارکاتارایه نمایند، آفر های ناوقت رسیده و انترنتی قابل پذیرش نمیباشد. تضمین آفر بصورت تضمین خط بانکی (۸۰,۰۰۰,۰۰۰) هشتاد هزار افغانی بوده و جلسه آفرگشائی بتاریخ معینه ساعت ۱۰:۰۰قبل از ظهر در اطاق جلسات آفرگشائی ریاست تهیه تدارکات تدویر میگردد.				

	دکترهنی، اوبولگولواومالداری وزارت زراعت، آبیاری و مالمداری	معینیت مالی و اداری ریاست تهیه و تدارکات امریت تدارکات امور ساختمانی مدیریت عمومی تدارکات امور ساختمانی	د افغانستان اسلامی جمهوریت جمهوری اسلامی افغانستان	
«دعوت به داوطلبی روش باز داخلی»				
شماره دعوت به داوطلبی MAIL/PD/NCB/W/295/1400				
ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالمداری از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تا در پروسه داوطلبی پروژه ذخیره آبیاری چنگی کاریز واقع قریه چنگی ولسوالی میرزکه ولایت پکتیا اشتراک نموده شرطنامه مربوطه را از وب سایت اداره تدارکات ملی (www.npa.gov.af) بدست آورده، آفر های خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرزالعمل تدارکات طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی ۱۲ساعت ۱۴۰۰ساعت ۱۰:۰۰قبل از ظهر به تعمیر عقب منابع بشری اطاق جلسات ریاست تهیه و تدارکاتارایه نمایند، آفر های ناوقت رسیده و انترنتی قابل پذیرش نمیباشد. تضمین آفر بصورت تضمین خط بانکی (۶۰,۰۰۰,۰۰۰) شصت هزار افغانی بوده و جلسه آفرگشائی بتاریخ معینه ساعت ۱۰:۰۰قبل از ظهر در اطاق جلسات آفرگشائی ریاست تهیه تدارکات تدویر میگردد.				

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکت‌ها		قیمت: ۲۰ افغانی
6 Months	120\$ USD	۴۰۰۰ افغانی	شش ماهه	
Annual	200\$ USD	۷۰۰۰ افغانی	یک ساله	

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.

که برای دیدار افراد دارای معلولیت به آن سفر می‌کرد. حسین وضعیت افراد دارای معلولیت را بغرنج‌تر از آن یافت که بشود به تنهایی از پس‌شان بر بیاید. از این رو به‌ناچار مجبور شد تیم مشوره و روحیه‌دادن به افراد دارای معلولیت «همتایان» را تشکیل دهد: «مشاوران و روان‌شناسان ما همه معلولند و حرف یک فرد دارای معلولیت را فرد دارای معلولیت دیگر خوب می‌فهمد. قدم بعدی تیم ما بعد از مشوره و روحیه‌دادن، برگزاری کارگاه آموزشی و ارتقای ظرفیت برای افراد دارای معلولیت است.»

«مؤسسه افغان‌های متأثر از ماین» برای پی‌گیری خواست‌های افراد دارای معلولیت «کمیته دادخواهی» شکل داده و در قدم نخست هدف‌شان را تعدیل ماده‌های جنجالی «قانون حمایت از اشخاص دارای معلولیت» تعیین کرد و به هدف فشار آوردن بر دولت و تعدیل کردن قانون با ۲۰ تن از اعضای، که اکثراً معلولند و رضاکار، چندین بار دست به دادخواهی زد. حسین می‌گوید در دادخواهی‌هایی که تا حالا انجام داده‌اند، معلول جنگی و غیرجنگی، ناشنوا، نابینا آن‌ها را همراهی کرده‌اند.

مهم‌ترین هدف حسین احمدی از زمان ریاست بر «مؤسسه افغان‌های متأثر از ماین» تعدیل «قانون حمایت از اشخاص دارای معلولیت» است و امیدوار است که تلاش و دادخواهی‌های‌شان نتیجه داده و ماده‌های تبعیض‌آمیز این قانون برداشته شود: «قرار اطلاعاتی که ما داریم می‌گویند ماده‌های تبعیض‌آمیز قانون برداشته شده است و ماده‌ی چهارم این قانون احتمال دارد تغییر کرده باشد.»

با تلاش‌های «مؤسسه افغان‌های متأثر از ماین» یک سال پس از ایجادش، افغانستان عضویت «کنوانسیون جهانی اشخاص دارای معلولیت» را به‌دست آورد و چندسال بعد کنفرانس «کشورهای عضو پیمان منع ماین» در اردن، کشورهای عضو، عضویت افغانستان را در «کنوانسیون مهمات خوشه‌ای» پذیرفت: «خیلی لایه‌گری می‌خواهد تا کشوری عضویت کنوانسیون اشخاص دارای معلولیت را به‌دست آورد.»

سال ۲۰۱۵ از حسین دعوت شد تا به نمایندگی از افغانستان در «کنوانسیون جهانی ماین» در ژنو شرکت کند. خاطرات تلخ و سرکوفت‌های که در اوایل معلولیتش را با آن مواجه شده بود حس غریبی در او پدید آورد. حسین در کنوانسیون جهانی ماین سخن‌رانی کرد: «وقتی داشتم صحبت می‌کردم حس عجیبی داشتم. فرکم رفت به شب‌بیداری‌هایی که پدرم کشیده بود. به روزی که دوستم مرا از موترش پایین کرد تا دوستش که مشکلی نداشت را بنشانند. لنگ صدارت معلمم یادم آمد و البته مهربانی هم‌کلاسی‌های دانشگاهم. کوشیدم تا ضروریات اولیه افراد دارای معلولیت را مطرح کرده و مشکلات‌شان را فریاد بزنم.» در کنوانسیون جهانی ماین به‌شمول افغانستان ۱۰۰ کشور عضویت دارد.

دورنمای «مؤسسه افغان‌های متأثر از ماین» و برنامه‌های حسین احمدی در قامت رییس این مؤسسه بهبودبخشیدن زندگی افراد دارای معلولیت و رسیدن آن به شرایطی است که در آن علاوه بر محفوظبودن حقوق آن‌ها، این افراد بتوانند دوباره در جامعه ادغام شوند و برخورد اجتماع با آن‌ها تغییر کند: «برنامه من این است که افراد دارای معلولیت به آموزش حرفه و ارتقای ظرفیت‌شان، دسترسی به سهولت‌هایی که برای یک فرد دارای معلولیت ضروری است برسد و همچنان پایین‌آوردن خشونت علیه زنان دارای معلولیت و یافتن شغل برای آن‌هاست. اما در حال حاضر با مشکلات مالی مواجهیم، چون چهار مرکز آموزش افراد دارای معلولیت است و این‌ها نیاز به پول دارند و ما تلاش داریم تا برای فعالیت دوباره این مراکز منابع پیدا کنیم.»



دولت فقط به افراد دارای معلولیت که در اثر جنگ و خشونت معلول شده وعده حمایت مالی داده است.

فعالان حوزه معلولیت و افراد غیرمعلول که برای بهبود زندگی افراد دارای معلولیت کار می‌کنند ۱۴ سال پیش دست به تشکیل مؤسسه‌ای زدند که بعدها به پناهگاه معلولان تبدیل شد.

«مؤسسه افغان‌های متأثر از ماین» یا ALSO سال ۲۰۰۷ به‌منظور توانمندسازی و حمایت از افراد دارای معلولیت توسط اشخاص دارای معلولیت و یک تعداد افراد غیرمعلول به هدف تعدیل «قانون حمایت از افراد دارای معلولیت» و بهبود زندگی آن‌ها ایجاد شد و در مدت کم راهش را به ولایات کابل، هرات، بلخ و بامیان باز کرد. با حمایت و همکاری این مؤسسه تعدادی از معلولان توانستند صاحب شغل شوند.

این مؤسسه برای تعدیل قانون حمایت از معلولان که آنرا تبعیض‌آمیز و خلاف طرزالعمل «کنوانسیون جهانی اشخاص دارای معلولیت» می‌داند تلاش‌هایی زیادی انجام داد.

حسین پیش از این‌که ریاست «مؤسسه افغان‌های متأثر از ماین» را به عهده بگیرد مدتی مشاور روحی-روانی افراد دارای معلولیت و مسئول ارتقای ظرفیت این مؤسسه بود و در کنارش با داکتران بدون مرز به زخمیان جنگ کمک‌رسانی می‌کرد و همکار سازمان ملل مبارزه علیه ماین‌های زمینی بود: «اولین بار بود که مزه‌ای فعالیت برجسته و خوب را می‌چشیدیم. یادگرفتم به حد توان به کسانی که به کمک نیاز دارند یاری برسانم.»

روزهای اول کاری حسین در «مؤسسه افغان‌های متأثر از ماین» حمایت روحی و روانی از افراد دارای معلولیت بود و ۱۳ ولایتی

می‌دهد: «استفاده از کلمه نامتعارف «لنگ» و پرسیدن جزئیات معلولیت فرد از نظر روحی و روانی برای فرد دارای معلولیت زیان‌بار است.»

از کابل تا ژنو؛ فریاد برای برابری

یک سال خانه‌نشینی، حسین را به عضویت سازمان صلیب سرخ درآورد. این نهاد کمک کرد حسین صاحب پا شود و قدم بردارد. اوایل حسین حس می‌کرد به بدنش وزنه‌ی چند کیلویی متصل شده باشد و از این خاطر خوشحال بود که احساس سبکی گذشته را ندارد.

صلیب سرخ علاوه بر کمک در حرکت کردن حسین او را به آینده امیدوار کرد. از آنجایی که حسین به کاروان افراد دارای معلولیت پیوسته بود، محیط صلیب سرخ و کارمندان و بیمارانش او را مجبور کرد برای بهبود وضعیت زندگی خود و دیگر افراد دارای معلولیت سعی و تلاش به‌خرج دهد: «دیدن افرادی که وضع‌شان بدتر از من بودند، اما تلاش می‌کردند، این حس را در وجودم القا کرد تا بکوشم.»

در اواخر دور اول حکومت حامد کرزی در بحبوحه جنجال و نابه‌سامانی‌ها، بحث درباره یک قانون که در آن دولت متعهد شده بود «از معلولین و قربانیان جنگ و خشونت در کشور پشتیبانی و حمایت می‌کند» شروع شد. بالاخره قانونی تحت نام «قانون اشخاص دارای معلولیت» در سال ۱۳۸۸ به تصویب رسید. از تصویب و اجرایی‌شدن این قانون هرچه زمان می‌گذشت اعتراض افراد دارای معلولیت و نهادهای حامی حقوق این افراد بیشتر می‌شد و بخشی از آن تبعیض‌آمیز قلمداد شد. در ماده چهارم این قانون که اعتراض افراد و نهادهای حامی حقوق افراد دارای معلولیت را برانگیخته دست دادم.»



زندگی بر مدار امید و برابری

هادی خوش‌نویس

هر روز افغانستان با صدای گلوله، انفجار و انتحار آغاز می‌شود. با هر صدای شلیک گلوله و انفجار تنی به خاک می‌افتد و انسان‌هایی معلول می‌شود. هر روز که می‌گذرد گراف افراد دارای معلولیت در افغانستان بلند و بلندتر می‌رود. وقتی در این سرزمین معلول شوی ناگهان از بام احترام به پایین پرت شده و تبدیل به سوژه‌ی تسمخر و خنده‌های مردم تبدیل می‌شوی. نگاه‌های مملو از تحقیر تو را نشانه می‌گیرد و تو دیگر آن شخصیتی که چند ساعت پیش بودی نیستی. اشخاص دارای معلولیت با دو مانع عمده روبه‌روست؛ تلاش برای زنده‌ماندن و مقابله با سیگنال‌های منفی که از سوی مردم و جامعه به سوی‌شان ارسال می‌شود.

حسین احمدی بزرگ‌شده طبیعت وحشی و خشک ولسوالی ناور ولایت غزنی و فرزند بزرگ خانواده است. خانواده‌ای شلوغ و ۱۱ نفره‌ی او چند سال بعد از تولد حسین، بند و بساط‌شان را جمع کرده به کابل کوچیدند؛ نخستین روز سال ۱۳۸۴، خانواده برای سال نو جشن تدارک دیده بودند، حسین دور از خانه در همراهی دوستان و رفیقانش دامنه‌های تپه کارته سخی را قدم می‌زد. بمبی منفجر شد. همه‌جا را دود و خاک و خون گرفته بود. آن اطراف هر که توان داشت فرار کرد، جز حسین و تن نصف و نیمه‌اش.

مابین برجامانده که توان قدم‌زدن را از حسین گرفت معلوم نبود که آثار جنگ داخلی دهه هفتاد است یا یادگار مجاهدین که برای کشتار روس‌ها کاشته شده بود؛ پنج سال زمان برد تا حسین با معلولیتش کنار بیاید و آنرا به‌عنوان یک واقعیت انکارناپذیر زندگی‌اش بپذیرد.

حسین در چشم مردم نصف آدم بود و در نگاه افراد دارای معلولیت به یک منجی می‌مانست که زندگی‌اش را وقف بهبود زندگی آن‌ها کرده است؛ دانشگاه حسین تمام شد و او برای کار به هر دروازه‌ی زد اما جواب همه یک‌دست، انگار از قبل باهم هماهنگ کرده باشند و آن یک «نه»‌ی بزرگ بود. حسین نومیدانه آخرین گزینه‌اش را امتحان کرد؛ درخواست کار به «مؤسسه افغان‌های متأثر از ماین».

«مؤسسه افغان‌های متأثر از ماین» یک نهاد خیریه است که بیشتر روی آموزش و ظرفیت‌سازی میان افراد دارای معلولیت کار می‌کند و در عوض خدماتی که ارائه می‌کند هیچ پولی نمی‌گیرد. حسین در همراهی با کارمندان این مؤسسه و سازمان‌های مدافع حقوق افراد دارای معلولیت در تلاشند که قانون حمایت از افراد دارای معلولیت را تعدیل کنند.

سروسامان بدهند و فرزندان‌شان بتوانند بهتر درس بخوانند ترک کرده و به شهر کابل آمدند. اما معلولیت حسین انتظارات آن‌ها را نقش برآب کرد؛ ابتلای مادر به امراض جهاز هضمی و پدر کم‌حرف و افسرده حاصل این اتفاق بود. اوایل معلولیت حسین، پدر شب را با قدم‌زدن در حیاط خانه به صبح می‌رساند. دیگر آن نشاط و طراوت سابق در قصه‌ها و حرف‌هایش نبود: «افسردگی را در وجودش به‌وضوح می‌توانستم ببینم. دل‌مشغولی‌اش من بودم و زندگی‌ام. پرستاری از من شده بود فکر و کارش. بغض‌هایی را بر سر خانواده و دور از چشم من خالی می‌کرد.»

پنج سال، که هر ثانیه‌اش برای حسین به مثابه‌ی یک سال بود، زمان برد تا او با معلولیتش خو بگیرد. اوایل همین که سر بر بالش می‌گذاشت کابوس انفجار به سراغش می‌آمد و وقتی بدنش را حرکت می‌داد حس می‌کرد سبک شده است، حس بدی که نیم دهه زمان برد تا با آن عادت کند.

دشواری معلول بودن در یک جامعه عقب‌مانده کم‌کم خودش را نشان داد؛ شماتت و کنایه‌های مردم خاطراتی‌اند که انگار در ذهن حسین ۳۱ ساله حک شده باشند. روزهایی که دوستانش از تفریح رفتن صحبت می‌کردند او خودش را یکی از دوستانم به من گفت که تو خو نصف آدم هستی. با تأسف که نگاه جامعه به آدم ظاهری است. اگر از نظر فیزیکی و جسمی مشکلی نداشتی ارزشمندی و قابل احترام هستی و اگر معلول بودی، نصف آدم.»

حسین احمدی می‌گوید «اشناترین کلمه‌ای که هر روز می‌شنیدم کلمه‌ی «لنگ» بود. معلولیتم به زمانی برمی‌گردد که صنف ۱۰ بودم و یکی از آموزگارام همیشه مرا با لحن تسمخرآمیزی «لنگ» صدا می‌زد. بار روانی این‌گونه کلمات برای افرادی مثل من بسیار سنگین و به‌شدت آزاردهنده است.»

حسین از رؤیای «پزشک‌شدن» گفت که انفجار بمب، دست‌یابی به آن‌ها به آرزوی محال تبدیل کرد؛ انفجار بمب او را به دنیای دیگری پرتاب کرد و موانع زیادی را در مسیر خودش را به آزمون کانکور رساند و به دانشگاه زبان و ادبیات دانشگاه کابل راه یافت: «دوران دانش‌جویی مثل دوره مکتب توأم با خاطرات تلخ و سخت نبود. کلمه‌ی «لنگ» را کم‌تر می‌شنیدم. از تسمخر هم کلاسی‌ها و استادان خبری نبود. چهار سالی که در دانشگاه کابل درس خواندم هم کلاسی‌هایم درکم می‌کردند.

در این مدت هیچ یکی از هم‌کلاسی‌ها و دوستانم دلیل معلولیتم را نپرسیدند. حتا تا حالا هم نمی‌دانند من چطور می‌توانم درس بخوانم و به‌شماره‌ی یک تنوع بشری است. ولی برخورد مردم و جامعه با آن‌ها به مثابه‌ی نصف انسان است و زندگی‌شان فاقد ارزش و بنابراین گاهی اوقات قضاوت‌های جامعه این افراد را تا آستانه «خودکشی» هم سوق می‌دهد.

چهار سالی که در دانشگاه کابل درس خواندم هم کلاسی‌هایم درکم می‌کردند. در این مدت هیچ یکی از هم‌کلاسی‌ها و دوستانم دلیل معلولیتم را نپرسیدند. حتا تا حالا هم نمی‌دانند من چطور می‌توانم درس بخوانم و به‌شماره‌ی یک تنوع بشری است. ولی برخورد مردم و جامعه با آن‌ها به مثابه‌ی نصف انسان است و زندگی‌شان فاقد ارزش و بنابراین گاهی اوقات قضاوت‌های جامعه این افراد را تا آستانه «خودکشی» هم سوق می‌دهد.